

شورای حراست و ثبات افغانستان بدنبال چیست؟ محمد اکرام اندیشمند

شورای حراست و ثبات افغانستان که روز گذشته (27 قوس 1394) اعلان موجودیت کرد بیشتر از چهره های شناخته شده رهبران و سیاستمداران مجاهدین فاقد مقام و کرسی های دولتی تشکیل یافته است. بدون هیچ تردید و هیچ اما و اگر، این شورا برای تحت فشار قرار دادن زمام داران دولت فعلی و به خصوص رئیس جمهور غنی و شریک حکومتش رئیس اجرایی در جهت دسترسی به مقام و کرسی دولت و یا مشارکت در قدرت سیاسی عرض وجود کرد. رئیس جمهور بازنشسته حامد کرزی از چهره های اصلی و گرداننده پشت صحنه در این شورا است تا سایه نفوذ و هیبت خود را بر سر زمام داران دولت فعلی نگهدارد و در نقش رئیس جمهور سایه عمل کند.

شورای حراست از عناصر و افرادی دارای دیدگاه ها و تعلقات متفاوت فکری و گروهی و سیاسی تشکیل شده است که تنها استفاده ابزاری از این شورا برای رسیدن به کرسی و مقام دولتی و نشستن بر سفره قدرت با صاحبان فعلی قدرت سیاسی، وجه مشترک آنها را می سازد. هیچ نقطه مشترک دیگر میان آن ها وجود ندارد. مگر این صادق مدیر با استاد سیاف چه وجه مشترک دارد؟ هرگاه این مشارکت در قدرت و انتصاب در مقام دولتی به هریکی از اعضای شورای حراست مساعد شود و فرمان اشرف غنی را در این مورد دریابند، با عجله شورای حراست را ترک می گویند.

تاکید شورای حراست به اینکه طرفدار سرنگونی نظام حاکم سیاسی نیستند و اصلاح آن را می خواهند، به همین آرزو و حرص اعضای شورا در رسیدن به کرسی دولت و نشستن بر سفره قدرت بر می گردد. مسلماً که آن ها در دسترسی به این آرزو، بقای نظام را آرزو می برند، نه سقوط آن را. معنی و مفهوم "اصلاح نظام" که پیوسته در شورا از آن سخن می رود، همین نکته است: کسب مقام و کرسی دولتی و مشارکت در قدرت.

پدیده اصلاح طلبی و اصلاح طلبان طی چهارده سال اخیر در نظام حاکم سیاسی افغانستان فقط در یک دایره بیحاصل و باطل می چرخد. صاحبان کرسی و مقام دولتی وقتی کرسی های خود را از دست می دهند، اصلاح طلب می شوند و از نیاز مبرم به اصلاحات سخن می گویند. اما وقتی دوباره به مقام و کرسی دولتی دست می یابند و شریک سفره قدرت می شوند، دیگر از اصلاح و اصلاحات سخنی به زبان نمی رانند. به نظر می رسد که این داستان تکراری و این دور باطل، آن هم توسط چهره های تکراری که گاهی بر کرسی قدرت جلوس می کنند و گاهی در ستیز اصلاح طلبی ظاهر می شوند، همچنان ادامه می یابد. آنچه که در این میان غایب به نظر می رسد و نشانی از آن دیده نمی شود، این است: اصلاح طلبان و اصلاحات.